



REVIEW ARTICLE

Finding Key Elements of Designing a Campaign Finance Regulation System

Saeed Nariman¹, MohammadHossein A'lami Harandi^{2*}, Mahdi Zeinaloo³

1. Assistant Professor of Political Science, Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran


Email: Saeednariman@gmail.com

2. MA in Science and Technology Policy, sharif university, Tehran, Iran

Corresponding Author's Email: Mohammad.alamy@gmail.com

3. PhD, Public administration, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Email: M.zeinaloo@gmail.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.96195>

Received: 3 September 2023
Accepted: 23 December 2023
Available Online: 5 March 2024

ABSTRACT

Today political finance regulation has become a key element of political systems. As a result of growing role of money in elections, states began to impose laws and regulations which are today known as political finance regulations, or campaign finance regulations. Reviewing the existing research and policy literature and using thematic analysis, we have tried to introduce a Comprehensive framework of key elements constituting a campaign finance regulation system that can be used domestically in Iran. In order to verify our results and ensure their reliability and validity, we use methods such as focus groups, reviewing during coding and referential material adequacy. findings of our research shows that to design a campaign finance regulation system, four global themes and organizing and basic themes categorized under them must be considered: Goals of campaign finance regulation, tools of campaign finance regulation, considerations of employing tools of campaign finance regulation and important contextual factors related to campaign finance regulation.

Keywords: Political Finance, Campaign Finance Regulation, Public Funding, Transparency of Campaign Spending, Thematic Analysis.

Citation: Nariman, Saeed; A'lami Harandi, MohammadHossein; Zeinaloo, Mahdi (2024). Finding Key Elements of Designing a Campaign Finance Regulation System. *Iranian Journal of Public Policy*, 9 (4), 131-147.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.96195>

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله مروری

استخراج مؤلفه‌های کلیدی طراحی نظام تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات

سعید نریمان^۱، محمدحسین اعلمی هرندی^{۲*}، مهدی زینالو^۳

۱. استادیار پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران

رایانامه: Saeednariman@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد سیاستگذاری علم و فناوری، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

رایانامه نویسنده مسئول: Mohammad.alamy@gmail.com

۳. دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

رایانامه: M.zeinaloo@gmail.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.96195>

تاریخ دریافت: ۱۲ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲ دی ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

امروزه تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات به یکی از عناصر مهم نظام‌های سیاسی تبدیل شده است. در نتیجه افزایش نقش پول در انتخابات‌ها، دولت‌ها اقدام به اعمال قوانین و مقرراتی کرده‌اند که با عنوان کلی تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی و به صورت مشخص‌تر تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات شناخته می‌شود. در این پژوهش تلاش شده است تا با مرور ادبیات پژوهشی و سیاستی موجود و با استفاده از روش تحلیل مضمون، چارچوب جامعی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده یک نظام تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات که قابلیت بهره‌برداری بومی نیز داشته باشد ارائه شود. یافته‌های پژوهش مشخص می‌سازد که برای طراحی یک نظام تنظیم‌گر تأمین مالی انتخاباتی باید به ترتیب به چهار مضمون فراگیر اهداف تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات، ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات، ملاحظات استفاده از ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات و شرایط زمینه‌ای مهم مربوط به تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات و مضامین سازمان‌دهنده و پایه ذیل آن‌ها توجه شود.

واژگان کلیدی: تأمین مالی سیاسی، تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات، تأمین مالی عمومی، شفافیت هزینه‌های انتخاباتی، تحلیل مضمون.

استناد: نریمان، سعید؛ اعلمی هرندی، محمدحسین؛ زینالو، مهدی (۱۴۰۲). استخراج مؤلفه‌های کلیدی طراحی نظام تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۹ (۴)، ۱۳۱-۱۴۷.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.96195>



ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

امروزه پول و منابع مالی نقشی بی‌بدیل در فرایندهای سیاسی و به خصوص انتخابات‌ها دارند و به این مسئله از زوایای مختلفی پرداخته می‌شود. در میان پژوهشگران این موضوع مورد اجماع است که هر چند نقش مخارج و هزینه‌های مالی از جایی به بعد در تعیین نتایج انتخابات‌ها کاهنده و کمرنگ می‌شود، اما حتی سیاست‌مداران مستقر نیز بدون دسترسی به پول نمی‌توانند به برنده شدن در انتخابات امیدوار باشند (Fisher & Eisenstadt, 2004, p. 1). داده‌های موجود درباره هزینه‌های نامزدهای انتخابات کنگره در آمریکا نیز به این موضوع اشاره دارد که احتمال پیروزی نامزد با هزینه انتخاباتی بیشتر بسیار بالاتر است (شکل ۱). اما آیا این موضوع نامطلوب بوده و نشان‌دهنده نقش مخرب پول در فرایندهای سیاسی است؟



شکل ۱. درصد پیروزی نامزدهای با هزینه‌های بیشتر در انتخابات کنگره آمریکا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ برگرفته از سایت Open Secrets و بر اساس داده‌های کمیسیون فدرال انتخابات آمریکا (OpenSecrets, 2020).

هربرت الکساندر، پژوهشگر شناخته‌شده حوزه تأمین مالی سیاسی نیز پول را عنصری طبیعی در فرایندهای سیاسی می‌داند که می‌تواند خدماتی که به صورت داوطلبانه یا رایگان عرضه نمی‌شود را خریداری کند (Alexander, 1989, p. 9). همچنین پول می‌تواند ابزاری برای حمایت سیاسی شهروندان از سیاست‌مداران باشد و در این چارچوب نمی‌توان آزادی سیاسی شهروندان را با جلوگیری از حمایت مالی از سیاست‌مداران محدود کرد. اما ناظر به همان ویژگی ذکر شده پول، یعنی توانایی خرید انواع خدمات، منابع مالی می‌توانند عدالت سیاسی^۱ را خدشه‌دار کنند. در حالی که در دموکراسی هر یک از شهروندان بایستی حق مشارکت برابر داشته باشد (که از آن به اصل «هر نفر، یک رأی»^۲ نیز یاد می‌شود)، پول می‌تواند باعث تبدیل شدن نابرابری‌های اقتصادی به نابرابری سیاسی شود (Paltiel, 1981, p. 138). در کنار مسئله عدالت سیاسی، فسادهای مرتبط با تأمین مالی سیاسی نیز تبعات منفی نقش پول در انتخابات و فرایندهای سیاسی است. پینتو-داشینسکی برداشت‌های مختلف از فساد در تأمین مالی سیاسی، از استفاده غیرمجاز از منابع مالی عمومی تا تأمین مالی از مجرمین و گروه‌های بزهکار را تبیین کرده و از تعدادی از رسوایی‌های شناخته‌شده مرتبط با هر یک از آن‌ها نام می‌برد (Pinto-Duschinsky, 2002, pp. 71-74). در کنار این مخاطرات و تبعات منفی، به مرور زمان احزاب و بازیگران سیاسی برای تأمین منابع مالی بیشتر تحت فشار قرار گرفتند. این نیاز به منابع مالی بیشتر از یک سو به دلیل هزینه‌های قابل توجه استفاده از رسانه‌های جمعی و شیوه‌های نوین تبلیغات انتخاباتی و از سوی دیگر به دلیل فاصله گرفتن مردم از سیاست، بدبینی آن‌ها نسبت به احزاب و کاهش مشارکت آن‌ها در تأمین مالی سیاسی به وجود آمد (ون

1. Political Equality
2. One Person, One Vote

بیزن ۲۰۰۴: ۷). در نتیجه این مخاطرات و این نیاز فزاینده بازیگران سیاسی به تأمین منابع بیشتر، دولت‌ها شروع به ایجاد سازوکارها و وضع قوانین و مقرراتی کردند که با مداخله در فرایند تأمین مالی سیاسی، از تبعات منفی جلوگیری کرده و به اهداف گوناگونی از برقراری عدالت سیاسی تا مبارزه با فساد دست یابند. این مجموعه از سازوکارها، قوانین و مقررات به صورت کلی ذیل عنوان تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی^۱ و در صورت محدود بودن به فرایند انتخابات، به عنوان تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات^۲ شناخته می‌شوند. امروزه کمتر کشوری در میان کشورهایی که از انتخابات به عنوان یکی از عناصر نظام سیاسی خود استفاده می‌کنند یافت می‌شود که چارچوب قانونی برای تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی و انتخابات ایجاد نکرده باشد. اما به اذعان پژوهشگران متأخر تأمین مالی سیاسی، هر چند امروزه در این حوزه حجم زیادی از داده در قالب پایگاه‌های داده گوناگون جمع‌آوری شده است، در زمینه نظریاتی که بتوانند شیوه استفاده از ابزارهای مختلف تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی و شرایط و پیشامدهای استفاده از هر یک را تبیین کنند خلاء جدی وجود دارد (Norris & Van Es, 2016, p. 2; Scarrow, 2007, p. 193).

پیشینه نظری پژوهش

پس از شروع مطالعات تأمین مالی سیاسی و انتخابات در دهه سوم قرن ۲۰ام میلادی، تا مدت زمان قابل توجهی پژوهش‌های انجام‌شده متمرکز بر صرف جمع‌آوری اطلاعات در این حوزه نظیر توصیف قوانین و شیوه‌های مورد استفاده احزاب و سیاست‌مداران برای تأمین مالی بود و مطالعات انجام‌شده تلاشی مشابه با سایر مطالعات علوم سیاسی برای نظریه‌پردازی نداشتند (Scarrow, 2007, p. 3). حوزه‌ای از مطالعات تأمین مالی سیاسی و انتخابات که در این پژوهش نیز مد نظر ماست، بررسی قوانین و مقررات این حوزه، فرایند پدید آمدن و اصلاحات آن‌ها در کشورهای مختلف و تحلیل پیامدها و ملاحظات پیاده‌سازی آن‌هاست. این حوزه مطالعاتی با شروع به کار کمیته پژوهشی تأمین مالی سیاسی و فساد سیاسی انجمن بین‌المللی علوم سیاسی^۳ (که با عنوان RC20 نیز شناخته می‌شود) در دهه ۶۰ و تلاش‌های هربرت الکساندر برای هدایت آن به این سمت در دهه ۷۰ میلادی تقویت شد (Pinto-Duschinsky, 2008, pp. 3-4). آثار پژوهشی این حوزه در قالب مطالعه موردی کشورها و علی‌الخصوص مطالعه تطبیقی کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند تا به پرسش‌های مختلف درباره چگونگی پدید آمدن قوانین و مقررات تأمین مالی سیاسی و انتخابات پاسخ داده و به چارچوب‌ها و نظریاتی تعمیم‌یافته و در فراتر از سطح یک کشور برسند (Alexander, 1970; Heidenheimer, 1963). یکی از تحولاتی که تأثیر قابل توجهی بر ادبیات مطالعات تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی داشت، محوریت پیدا کردن مفهوم فساد برای بسیاری از نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و سپس سازمان ملل از دهه ۸۰ میلادی تا امروز است (Pinto-Duschinsky, 2008, p. 6). هر چند تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی فراتر از موضوع فساد است، اما پیوستگی قابل توجهی که بین این دو مفهوم وجود دارد باعث موجی از توجه به مفهوم تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی شد که خود را از یک‌سو در توافقی‌های بین‌المللی، اسناد و دستورالعمل‌ها، پیاده‌سازی و ارزیابی آن‌ها (Doublet, 2010; ODIHR, 2011; Van Biezen, 2003) و از سوی دیگر در شاخص‌هایی نظیر شاخص تصور از فساد^۴ و پایگاه‌های داده‌های نظیر پایگاه داده تأمین مالی سیاسی IDEA^۵ نشان داد و به انجام پژوهش‌های بیشتر و دقیق‌تر در حوزه تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی کمک قابل توجهی کرد. این تلاش‌ها برای نظریه‌پردازی درباره قوانین و مقررات تأمین مالی سیاسی و انتخابات نیز از ابتدا تا امروز با پیچیدگی‌هایی مواجه بوده‌اند که باعث شده است این حوزه مطالعاتی در مقایسه با دیگر حوزه‌های علوم سیاسی از خلاء نظری رنج ببرد (Norris & Van Es, 2016, pp. 5-6). با وجود افزایش دسترسی به داده در

1. political Finance Regulation

2. campaign Finance Regulation

3. International Political Science Association's Research Committee on Political Finance and Political Corruption

4. Corruption Perceptoin Index

5. International Institute for Democracy and Election Assistance

زمینه تأمین مالی سیاسی، بسیاری از این داده‌ها با آن چه در واقعیت رخ می‌دهد فاصله قابل توجهی دارند، حتی در کشورهای توسعه‌یافته و دموکراسی‌های قدیمی و بالغ (Global Integrity, 2015).

پیشینه تجربی پژوهش

نخستین مطالعات مرتبط با هدف ما درباره تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی در دهه ۵۰ میلادی انجام شد که عموماً بر مطالعه عمیق یک کشور تمرکز داشتند (Heidenheimer, 1957; McKenzie, 1955). اما همان‌طور که در قسمت پیشینه نظری نیز به اختصار اشاره کردیم، موج اصلی مطالعات تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی، به خصوص از نگاه تطبیقی، در دهه ۶۰ میلادی و با راه‌اندازی گروه مطالعاتی تأمین مالی سیاسی و فساد سیاسی انجمن بین‌المللی علوم سیاسی، که به RC20 نیز شهرت یافت، توسط آرنولد هایدنهایمر و ریچارد رز شکل گرفت. از نخستین خروجی‌های این موج جدید، یک مطالعه تطبیقی دربرگیرنده هشت کشور بود که در سال ۱۹۶۳ در یک شماره ویژه از نشریه The Journal of Politics به چاپ رسید (Heidenheimer, 1963). این شبکه از پژوهشگران به انجام مطالعه‌های تطبیقی ادامه دادند و در ابتدا بیشتر متمرکز بر کشورهای توسعه‌یافته شامل دموکراسی‌های اروپایی و آمریکای شمالی بودند (Alexander, 1970)، اما به مرور زمان به سایر کشورهای برجسته در نقاط مختلف جهان نظیر ترکیه و ژاپن نیز پرداخته شد (Paltiel, 1981). در دهه ۹۰ و با گسترش دموکراسی و اتفاقات پس از سقوط دیوار برلین و در دسترس قرار گرفتن اطلاعات از نقاط مختلف دنیا موج جدیدی از مطالعات تطبیقی تأمین مالی تعداد بسیاری بیشتری از کشورها در مناطق مختلفی از دنیا را مورد مطالعه داد (Alexander & Shiratori, 1994; Burnell & Ware, 2005; Malamud & Carbó, 2005; Casas-Zamora, 2005; 1998). همچنین از دهه ۹۰ میلادی چندین نهاد غیرانتفاعی بین‌المللی برجسته پروژه‌هایی درباره تأمین مالی سیاسی و تنظیم‌گری آن شروع کردند که منجر به خروجی‌هایی نظیر کتاب راهنمای تأمین مالی سیاسی IDEA (Ohman et al., 2015) و کتاب راهنمای نظارت بر تأمین مالی سیاسی IFES (Ohman, 2013) شد. برخی از سازمان‌های بین‌دولتی و بین‌المللی نظیر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و شورای اروپا نیز مطالعات ارزشمندی در این حوزه منتشر کرده‌اند (Doublet, 2010; OECD, 2016; Van Biezen, 2003). در جدول ۵ به موارد برجسته چنین مطالعاتی و در

جدول ۶ به مطالعات داخلی انجام‌شده و نقاط قوت و ضعف آن‌ها به ترتیب زمان پرداخته‌ایم.

جدول ۵. پیشینه تجربی پژوهش (پژوهش‌های برجسته بین‌المللی): بر اساس مطالعات نویسندگان

نویسنده (سال)	عنوان	شرح
سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۶)	تأمین مالی دموکراسی: تأمین مالی احزاب سیاسی و پویای انتخاباتی و تهدید تسخیر سیاست	گزارش تفصیلی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی درباره مخاطراتی تأمین مالی سیاسی، ابزارهای تنظیم‌گری آن و چالش‌های استفاده و پیاده‌سازی از آن‌ها حول محورهای محتوایی جلوگیری از تسخیر فرایند سیاست‌گذاری، برابری رقابت‌های سیاسی، افزایش شفافیت، بهبود چارچوب کلی فعالیت‌های سیاسی و پیاده‌سازی مؤثر مقررات ساماندهی تأمین مالی سیاست بعلاوه نه مطالعه موردی
نوریس و ون‌اس (۲۰۱۶)	انتخابات‌های دسته‌چکی: تأمین مالی سیاسی از نگاه تطبیقی	کتاب استاد شناخته‌شده دانشگاه هاروارد، پپا نوریس با موضوع بررسی اثرگذاری ابزارهای مختلف تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی بر اساس مطالعات کمی در کنار نه مطالعه موردی عمیق. اشاره به اثرگذاری ملموس ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی بر ادراک از کیفیت برگزاری انتخابات‌ها و لزوم توجه به استفاده ترکیبی و متناسب با شرایط ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی

خلاصه سیاستی ارائه شده در ابتکار سیاست خارجی آمریکای لاتین اندیشکده بروکینگز ^۱ توسط کاساس-زامورا و زوواتو، دربردارنده خلاصه‌ای از وضعیت تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی در آمریکای لاتین، مقایسه پیاده‌سازی و اثرگذاری ابزارهای تنظیم‌گری در کشورهای این منطقه و حاوی پیشنهادهای جهت بهبود وضعیت تأمین مالی سیاست در این کشورها	هزینه دموکراسی: تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات در آمریکای لاتین	کاساس-زامورا و زوواتو (۲۰۱۵)
کتاب تفصیلی نهاد بین‌المللی IDEA بر اساس داده‌های موجود در پایگاه داده تأمین مالی سیاسی IDEA و دیگر مطالعات پژوهشی و روزنامه‌نگاری انجام شده درباره اغلب کشورهای دارای انتخابات، مطالعه شیوه‌های تأمین مالی سیاست، قوانین مربوط به ساماندهی آن و کیفیت پیاده‌سازی این قوانین در مناطق مختلف	تأمین مالی احزاب سیاسی و پوشش‌های انتخاباتی: کتاب راهنمای تأمین مالی سیاسی	اهمان و همکاران (۲۰۱۵)
پژوهش مشترک Global Integrity و پروژه سلامت انتخاباتی ^۲ جهت جمع‌آوری داده‌های معتبر درباره وضعیت واقعی تأمین مالی سیاسی، تنظیم‌گری‌های مربوط به آن و فاصله میان قوانین و واقعیت‌ها بر اساس داده‌های پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط خبرگان ۵۴ کشور دنیا. نشان‌دهنده فاصله زیاد میان قوانین و واقعیت‌های ساماندهی تأمین مالی سیاست در کشورهای مختلف	شاخص‌های تأمین مالی انتخابات پول، سیاست و شفافیت	گلوبال اینتگریتی (۲۰۱۵)
تحلیل نتایج حاصل از ارزیابی گروه کشورهای علیه فساد (GRECO) ^۳ ، بازوی نظارتی ضد فساد شورای اروپا، درباره کیفیت قوانین مرتبط با تأمین مالی هزینه‌های سیاسی احزاب سیاسی و انتخابات‌ها، دربردارنده نتایج بررسی قوانین کشورهای عضو حول محورهای شفافیت، پیاده‌سازی قوانین و مجازات‌های در نظر گرفته شده و نشانگر خلاءها و ضعف‌های قانونی در این کشورها	بررسی مضمونی سومین دوره ارزیابی گروه کشورهای علیه فساد	دوبله (۲۰۱۲)
مقاله تهیه شده در مرکز مطالعات نقایص دموکراسی ^۴ دانشگاه مرکزی اروپایی ^۵ درباره نسبت تنظیم‌گری تأمین مالی با زمینه‌های سیاسی نهادی و ایدئولوژیک کشورها. نشان‌دهنده ارتباط میان زمینه‌های نهادی و ایدئولوژیک کشورها با چارچوب تنظیم‌گری تأمین مالی مورد استفاده در آن‌ها	معمای یک جامعه دموکراتیک: تنظیم‌گری تطبیقی پول و سیاست	اسمیولوف (۲۰۰۸)
مطالعه تطبیقی برخاسته از تز دکتری کوین کاساس-زامورا، پژوهشگر برجسته تأمین مالی سیاسی در آمریکای جنوبی، درباره تأمین مالی عمومی در بیش از ۴۰ دموکراسی دنیا و تأثیرات آن بر احزاب و روش‌های تأمین مالی و بررسی دقیق‌تر آن با دو مطالعه موردی عمیق در کاستاریکا و اروگوئه	پرداختن هزینه دموکراسی: تأمین مالی سیاسی و تأمین مالی دولتی برای احزاب	کاساس-زامورا (۲۰۰۵)
یک شماره ویژه از نشریه Party Politics درباره تأمین مالی احزاب سیاسی، با تمرکز بر تنظیم‌گری تأمین مالی سیاست و دربردارنده مقالاتی حول موضوعات زمینه‌های تاریخی و نهادی شکل‌گیری چارچوب‌ها و مقررات تنظیم‌گری تأمین مالی و اثرات آن، مقایسه و مطالعه تطبیقی قواعد تنظیم‌گری تأمین مالی در کشورهای مختلف، الگوهای مختلف احزاب و شیوه‌های تأمین مالی آن‌ها و تطور جایگاه احزاب در جوامع امروزی	مقدمه: تأمین مالی سیاسی از نگاه تطبیقی	فیشر و آیزنتات (۲۰۰۴)
بخشی از پروژه «کارآمدسازی نهادهای دموکراتیک» شورای اروپا. خروجی یک کارگاه برگزار شده در استراسبورگ فرانسه در سال ۲۰۰۲ و با حضور بخش‌های مختلف شورای اروپا، سمن‌ها ^۶ و پژوهشگران در تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات و تهیه یک مجموعه دستورالعمل منسجم دربردارنده نکات عینی برای تدوین و پیاده‌سازی مؤثر قوانین ساماندهی تأمین مالی سیاست	تأمین مالی احزاب سیاسی و پوشش‌های انتخاباتی: دستورالعمل‌ها	ون‌بیزن (۲۰۰۳)
بخشی از کتاب بنیان‌های دموکراسی پژوهشگر شناخته شده آلمانی تأمین مالی سیاسی، کارل-هاینز ناسماخر که در آن در قالب دسته‌بندی‌های دموکراسی‌های قدیمی، اروپای جنوبی، اروپای مرکزی و دموکراسی‌های غیرغربی به مطالعه تطبیقی بیش از ۱۵ کشور می‌پردازد	رویکردهای تطبیقی تأمین مالی سیاسی. در کتاب بنیان‌های دموکراسی	ناسماخر (۲۰۰۱)
مطالعه تطبیقی روش‌های تأمین مالی سیاسی و تنظیم‌گری آن در نقاط مختلف جهان از آمریکای شمالی تا اروپا و آسیای شرقی و آمریکای جنوبی با تأکید بر دموکراسی‌های نوظهور	تأمین مالی گذار به دموکراسی	برنل (۱۹۹۸)
کتاب تدوین شده توسط هربرت الکساندر، شامل بررسی تطبیقی ۱۱ کشور عمدتاً آمریکایی و اروپایی به صورت عمیق و توسط جمعی از متخصصان	تأمین مالی سیاسی از نگاه تطبیقی در دهه ۱۹۸۰	الکساندر و فدرمن (۱۹۸۹)
مقاله نوشته شده در کتاب دموکراسی پای صندوق رأی با هدف مقایسه اجمالی روش‌های تأمین مالی سیاسی و تنظیم‌گری آن با در نظر داشتن ۲۱ کشور شامل کشورهای غیراروپایی و آمریکایی نظیر ترکیه، ژاپن، ونزوئلا و نیوزیلند	تأمین مالی سیاسی: روش‌ها و اصلاحات متفاوت. در کتاب دموکراسی پای صندوق رأی	پالتیه (۱۹۸۱)
کتاب نوشته شده در دهه ۷۰ میلادی توسط پژوهشگران RC20 با تمرکز بر دموکراسی‌های اروپایی و شمال آمریکا	تأمین مالی سیاسی از نگاه تطبیقی	هایدنهايمر، الکساندر و دیگران (۱۹۷۰)
از اولین مطالعات تطبیقی انجام شده در حوزه تأمین مالی سیاسی در قالب یک شماره ویژه از نشریه Journal of Politics دربرگیرنده هشت مقاله درباره هشت کشور از نقاط مختلف دنیا	تأمین مالی احزاب از نگاه تطبیقی: یادداشت‌هایی درباره روش‌ها و به سوی یک نظریه	هایدنهايمر (۱۹۶۳)

1. Brookings Institution
2. Electoral Integrity Project
3. The Group of States against Corruption
4. Center for The Study of Imperfections in Democracy
5. Central European University
6. Making democratic institutions work
7. NGO

جدول ۶. پیشینه تجربی پژوهش (پژوهش‌های داخلی): بر اساس مطالعات نویسندگان

نویسنده (سال)	عنوان	شرح
Yavari, A., & Zamanizadeh, M 2019	نظام مطلوب تأمین مالی کارزارهای انتخاباتی در ایران در پرتو معیارهای بین‌المللی	مقاله پژوهشی چاپ‌شده در مجله مطالعات حقوق تطبیقی که در آن به وضعیت قوانین موجود مربوط به ساماندهی و تنظیم‌گری تأمین مالی انتخاباتی در ایران، بر اساس دسته‌بندی رایج مورد استفاده در ادبیات موضوع (و مورد اشاره در جدول ۷) پرداخته و سپس پیشنهادهایی برای رفع این خلأها ارائه می‌کند. در این مقاله هر چند به صورت غیرمستقیم به ابزارهای مختلف ساماندهی تأمین مالی انتخابات اشاره شده، اما دسته‌بندی این ابزارها و ملاحظات استفاده از آن‌ها به دقت و با ارجاع به منابع مختلف مورد بررسی قرار نگرفته، و زمینه استفاده از ابزارها با بررسی تجربیات دیگر کشورها مغفول واقع شده است که موجب ضعف برخی از پیشنهادهای ارائه‌شده از منظر اجراپذیری و تناسب با شرایط زمینه‌ای انتخابات در ایران شده است.
Ahmadvand, S., & Saber Mahani, F. 2016	درآمدی مقایسه‌ای بر منابع مالی تبلیغات انتخاباتی (مطالعه نظام‌های انتخاباتی ایران، فرانسه، روسیه و آمریکا)	مقاله پژوهشی چاپ‌شده در فصلنامه حقوق عمومی که در آن پس از اشاره به ضرورت ساماندهی و تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات در ایران، به قوانین و مقررات مورد استفاده در کشورهای فرانسه، روسیه و آمریکا پرداخته شده و پس از بررسی چالش‌های فعلی نظارت بر تأمین مالی در انتخابات مجلس (خصوصاً چالش نهاد ناظر) چندین پیشنهاد برای اصلاح وضع موجود ارائه شده است. به غیر از بررسی تعداد محدودی از کشورها و عدم شرح چرایی انتخاب سه کشور مذکور و امکان عدم تناسب زمینه انتخابات در ایران با این کشورها، بررسی قوانین در این کشورها از دسته‌بندی خاص و دقیقی که برخاسته از ادبیات موضوع باشد پیروی نکرده و در نتیجه ضعف‌ها پیشنهادهای ارائه‌شده نیز در قالب یک چارچوب منسجم نیست و پشتوانه نظری کافی ندارد، هر چند به چالش نهاد ناظر به شکل تفصیلی و مناسب پرداخته شده است.
Nejad Khalili 2013	آسیب‌شناسی نظارت بر هزینه‌های رقابت‌های انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگوی پیشنهادی	گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که با توجه به ماهیت سیاستی خود وضعیت انتخابات مجلس شورای اسلامی را در ایران، شرایط زمینه‌ای و بومی آن و چالش‌های پیش رو برای ساماندهی تأمین مالی انتخابات را به تفصیل بررسی کرده و در نهایت مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی را ارائه می‌دهد. هر چند توصیه‌های سیاستی ارائه‌شده در این گزارش از سایر آثار فارسی مورد بررسی دقیق‌تر جزئی‌تر است، اما مطالعه تطبیقی خاصی صورت نگرفته و تلاشی برای مرور و دسته‌بندی ابزارهای مورد استفاده در دنیا انجام نگرفته است که بنیان نظری پیشنهادی سیاستی آن را تضعیف کرده است.
Rahimi Moghaddam 2011	بایسته‌های قانون‌گذاری درباره تأمین مالی احزاب سیاسی	گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که به ضرورت، شیوه‌های مختلف تأمین مالی احزاب سیاسی و ابزارهای مختلف مورد استفاده برای این امر پرداخته است، اما با عمق کمی به هر یکی از این موارد پرداخته شده است، پیچیدگی‌ها و ملاحظات آن به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته است و از ارجاعات کافی برخوردار نیست و مثال‌ها و نمونه‌های اندکی دارد. مضاف بر این به شرایط زمینه‌ای فعالیت احزاب سیاسی در ایران تقریباً پرداخته نشده است و پیشنهاد سیاستی خاصی در بر ندارد.

همانگونه که در بررسی ادبیات به آن اشاره شد، در پژوهش‌های انجام شده از زوایای مختلفی، نظیر ریشه‌های پدید آمدن تا دلایل و ملاحظات به کارگیری، به دامنه وسیعی از ابزارها، قوانین و رویه‌های تنظیم‌گری تأمین مالی سیاست پرداخته شده است. با وجود این گستردگی، اشتراک قابل توجهی میان مطالعات مختلف، برای دسته‌بندی ابزارهای مورد بحث وجود دارد که می‌توان آن را در جدول ۷ مشاهده کرد.

جدول ۷. دسته‌بندی‌های مفهومی قوانین و مقررات تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی و انتخابات (بر اساس مطالعات نویسندگان)

دسته‌بندی	توضیحات
شفافیت و گزارش‌دهی	الزام بازیگران سیاسی به گزارش عملکرد مالی به نهادهای مسئول و شفافیت آن برای عموم مردم
تأمین مالی عمومی	تأمین بخشی از هزینه‌های بازیگران سیاسی از بودجه عمومی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم
محدودیت کمک‌ها	اعمال انواع محدودیت‌ها بر منابع و مقادیر کمک‌های مالی به بازیگران سیاسی

محدودیت مخارج	اعمال انواع محدودیت‌ها بر انواع و مقدار کل مخارج مالی بازیگران سیاسی
اعمال قوانین و مقررات	شیوه پیاده‌سازی قوانین و مقررات در قالب جزئیات حقوقی و نهادی

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی است و به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که چارچوب مفهومی که از مطالعات و اسناد مرتبط برای طراحی یک نظام تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات استخراج می‌شود چیست؟ از منظر نوع هدف، یک پژوهش کاربردی است و تلاش دارد تا چارچوبی مفهومی ناظر به مورد استفاده قرار گرفتن برای سیاست‌گذاری ارائه دهد. داده‌های مورد استفاده این پژوهش کیفی و از نوع ثانویه است و از منابعی نظیر پژوهش‌های علمی، دستورالعمل‌ها و اسناد رسمی مرتبط با تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی و انتخابات جمع‌آوری شده است. به منظور گردآوری از جست‌وجو با کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع نظیر تأمین مالی سیاسی، تأمین مالی انتخابات، تأمین مالی احزاب و ترکیب این سه کلیدواژه با کلیدواژه تنظیم‌گری، قوانین و مقررات استفاده شده است. جست‌وجو برای اسناد از سال ۲۰۰۰ به بعد انجام شده است و ملاک انتخاب شدن اسناد، مبتنی بودن آن‌ها بر مطالعات تطبیقی و پاسخ دادن به پرسش‌های مد نظر درباره تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی نظیر چگونگی و پیامدهای پیاده‌سازی قوانین و مقررات مربوط به آن بوده است. در این راستا اسنادی که تنها یک کشور را مد نظر داشته‌اند حذف شدند. همچنین در کنار کتب و مطالعات پژوهشی انجام‌شده، دستورالعمل‌ها و اسناد منتشرشده توسط نهادهای معتبر بین‌المللی و اندیشکده‌ها نیز جهت غنای بیشتر پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. به منظور تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری از روش تحقیق تحلیل مضمون^۱ استفاده شده است. تحلیل مضمون یک روش تحلیل انعطاف‌پذیر و شناخته‌شده برای تحلیل داده‌های کیفی است که امروزه به صورت رایج استفاده می‌شود. به صورت خلاصه، تحلیل مضمون ابزاری شناسایی و ساماندهی الگوهای معنایی (یا همان مضامین) در یک مجموعه داده است. بایستی دقت داشت که تمرکز تحلیل مضمون بر تحلیل یک مجموعه داده و یافتن الگوهای معنایی مشترک است و الگوهایی معنایی که تنها در یک مورد از مجموعه داده وجود دارد مد نظر نیستند (Braun & Clarke, 2012). هدف این پژوهش این است که با کدگذاری و شناسایی مضامین، در نهایت به یک شبکه مضامین شامل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر دست پیدا کند. منظور از مضامین پایه کدها و نکات کلیدی موجود در متن است. مضامین سازمان‌دهنده در سطحی بالاتر از مضامین پایه قرار دارند و از ترکیب و تلخیص مضامین پایه حاصل می‌شوند. مضامین فراگیر در بالاترین سطح قرار دارند و اصول کلی حاکم بر متن را دربرمی‌گیرند (Abedi Jafari, H., Taslimi, M., Faghihi, A., & Sheikhzadeh, M. 2011). به منظور اعتبارسنجی و تأیید مرتبط بودن یافته‌های پژوهش با بستر مسئله در جمهوری اسلامی ایران، چندین جلسه گروه کانونی با ۳ تا ۵ نفر از خبرگان، شامل اساتید دانشگاه، پژوهشگران مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ها، سیاست‌مداران فعلی و سابق و فعالین سیاسی دست‌اندرکار در انتخابات برگزار گردیده و خروجی‌های پژوهش به بحث و بررسی گذارده شد. در این فرایند مضامین مستخرج در مرحله بعدی مورد پالایش قرار گرفته و مضامین غیر قابل استفاده و غیرمرتبط با بستر مسئله در ایران حذف شدند. در بخش یافته‌ها و در خلال شرح مضامین به این مضامین حذف‌شده نیز اشاره شده است. همچنین در این مرحله به برخی از دلالت‌های این مفاهیم در نسبت با وضعیت فعلی تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات در انتخابات‌های مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری پرداخته شد که در بخش نتیجه‌گیری به آن اشاره شده است. در راستای روایی و پایایی، به منظور اطمینان از روایی پژوهش از راهبرد درگیری طولانی‌مدت با موضوع پژوهش در کنار راهبرد کثرت‌گرایی (Creswell, 2003) و به منظور اطمینان از پایایی از روش‌های

بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها و کفایت منابع مورد ارجاع (Danaei Fard, H., & Mozafari, Z 2008) استفاده شد.

یافته‌ها

شبکه مضامین حاصل از فرایند مطالعه متون، کدگذاری و سپس تلاش برای کسب بصیرت و ایجاد ارتباط بین مضامین استخراج‌شده در مرحله کدگذاری در قالب

جدول ۸ نمایش داده شده است. در مرحله اول پژوهش و پس از مطالعه متون، تعداد قابل توجهی مضمون پایه مرتبط با ابعاد مختلف تنظیم‌گری تأمین مالی سیاست و انتخابات استخراج شد. با توجه به پراکندگی این مضامین، در مراحل بعدی تلاش شد تا این مضامین پایه ذیل مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر طبقه‌بندی شده و یک شبکه مضامین تشکیل شود. به عنوان مثال در مرحله اول، مضامین پایه متعددی مرتبط با چرایی پیاده‌سازی سیاست‌های تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات احصاء شد. برخی متون به دلایلی نظیر حرکت به سمت رشد فراگیر و جلوگیری از هدررفت بودجه و منابع عمومی (Norris & Van Es, 2016, pp. 26-27; OECD, 2016, p. 4) برای پیاده‌سازی سیاست‌های تنظیم‌گری تأمین مالی اشاره کرده‌اند، در حالی که در برخی متون دیگر به اهدافی نظیر جلوگیری از تسخیر فرایند سیاست‌گذاری و اثرگذاری بیش از حد و نامطلوب تأمین‌کنندگان منابع مالی بر سیاست‌مداران (Van Biezen, 2003, p. 12; ODIHR, 2011, p. 67). یا برقراری عدالت انتخاباتی اشاره کرده‌اند (Fisher & Eisenstadt, 2004, p. 1; Van Biezen, 2004, p. 20). بازگرداندن اعتماد به فرایند سیاست‌گذاری نیز از مضامینی است که در تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی بیشتر با ابزار شفافیت دنبال می‌شود (Casas-Zamora & Zovatto, 2015, p. 1; OECD, 2016, p. 25) و نوریس نیز در پژوهش خود آن را موفق‌ترین هدف تنظیم‌گری تأمین مالی از منظر دستیابی برمی‌شمرد (Norris & Van Es, 2016, p. 244). جهت‌دهی به رفتار بازیگران سیاسی و احزاب و بازتعریف نسبت آن‌ها با دولت نیز از جمله اهداف بعضاً مغفول است (Ohman et al., 2015, pp. 16-18; OECD, 2016, p. 45) که به عنوان مثال در روسیه قرن ۲۱م به عنوان یکی از اهداف اصلی تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی مد نظر قرار گرفت و در چارچوبی بزرگ‌تر به بازطراحی ساختار فعالیت سیاسی در روسیه انجامید (Golosov, 2016). جلوگیری از ورود پول‌های کثیف به سیاست نیز جزو دلایلی است که از دیرباز باعث حرکت دولت‌ها به سمت تنظیم‌گری تأمین مالی سیاست شده است. در این بخش مضامین پایه همراهی با قراردادهای بین‌المللی، حرکت به سمت رشد فراگیر و کاهش فشار زمانی تأمین مالی سیاسی در پالایش به دلیل عدم ارتباط با بستر مسئله در ایران حذف شدند. با مروری بر این مضامین پایه و با توجه به تنوع آن‌ها، سه مضمون سازمان‌دهنده «اهداف اقتصادی»، «اهداف سیاسی» و «اهداف امنیتی» جهت دسته‌بندی آن‌ها ایجاد شد و سپس همه آن‌ها ذیل مضمون فراگیر «اهداف تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات» طبقه‌بندی شدند. در ادامه و به شکلی مشابه برای سایر مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و سپس فراگیری جهت طبقه‌بندی این مضامین و تشکیل یک شبکه مضامین ایجاد شد. مضامین پایه شرح‌دهنده انواع ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی ذیل مضمون فراگیر «ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات» و مضامین سازمان‌دهنده متناظر با دسته‌های کلی این ابزارها، مضامین پایه مرتبط با ملاحظات و چگونگی استفاده از این ابزارها ذیل مضمون فراگیر «ملاحظات استفاده از ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات» و مضامین سازمان‌دهنده متناظر با دسته‌های کلی این ابزارها (مشابه با مضمون فراگیر قبلی) بعلاوه دو مضمون سازمان‌دهنده مربوط به ارتباط این دسته‌ها با یکدیگر و نظارت بر اجرای آن‌ها و در نهایت مضامین پایه ناظر به بستر و شرایط زمینه‌ای مؤثر بر تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات ذیل مضمون فراگیر

«شرایط زمینه‌ای مهم مربوط به تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات» و مضامین سازمان‌دهنده‌ای مشابه با مضامین سازمان‌دهنده ذیل مضمون فراگیر «اهداف تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات» طبقه‌بندی شدند.

ساختار کلی شبکه مضامین و عناوین مضامین استخراج‌شده، جهت دریافت تصویری کلی در جدول ۸ آمده است. در ادامه این بخش و پس از این جدول به توضیحات تفصیلی درباره این مفاهیم خواهیم پرداخت.

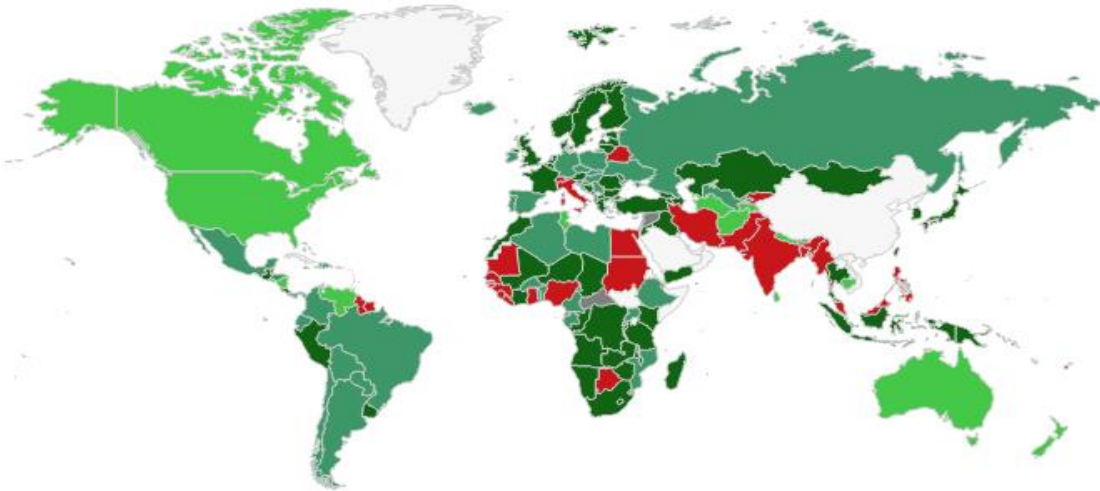
جدول ۸. شبکه مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
جلوگیری از هدررفت منابع عمومی	اهداف اقتصادی	اهداف تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات
جلوگیری از تسخیر فرایند سیاست‌گذاری	اهداف سیاسی	
برقراری عدالت انتخاباتی		
افزایش اعتماد به فرایند سیاست‌گذاری		
جهت‌دهی به رفتار داوطلبین انتخابات و احزاب سیاسی		
بازتعریف نسبت احزاب با دولت و فعالین سیاسی		
افزایش آگاهی، نقش‌آفرینی و نظارت مردم در فرایند انتخابات	اهداف امنیتی	
جلوگیری از ورود پول‌های کثیف به سیاست		
جلوگیری از اثرگذاری کشورهای خارجی بر فرایند سیاسی و انتخابات	تأمین مالی عمومی	ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات
تأمین مالی عمومی مستقیم		
تأمین مالی عمومی غیرمستقیم		
تأمین مالی عمومی پسینی		
تأمین مالی عمومی پیشینی		
تأمین مالی عمومی برابر		
تأمین مالی عمومی تناسبی		
شفافیت و گزارش‌دهی مقادیر کمک‌های مالی	شفافیت و گزارش‌دهی	
شفافیت و گزارش‌دهی عناوین و مقادیر مخارج		
شفافیت و گزارش‌دهی هویت کمک‌کنندگان مالی		
شفافیت دارایی‌ها	محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اهداء	
محدودیت‌های کمک‌های خارجی		
محدودیت‌های اشخاص حقیقی		
محدودیت‌های بخش عمومی و نیمه عمومی		
محدودیت‌های بخش خصوصی		
محدودیت‌های بخش خصوصی طرف قرارداد بخش عمومی		
محدودیت‌های مربوط به اتحادیه‌ها و اصناف		
محدودیت‌های کمک‌های ناشناس		
محدودیت‌های کمک‌های غیرمستقیم	محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مخارج	
محدودیت جمع کل هزینه‌ها		
ممنوعیت خرید آراء	ملاحظات تأمین مالی عمومی	ملاحظات استفاده از ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات
ممنوعیت خرید منابع عمومی نظیر رسانه‌های عمومی		
ارجحیت تأمین مالی عمومی غیرمستقیم در صورت امکان		
انتخاب میان تخصیص پیشینی یا پسینی		
انتخاب یک مالک تخصیص مناسب		
تناسب شیوه توزیع با اهداف مد نظر		
دشواری تأمین مالی عمومی داوطلبان منفرد	ملاحظات مربوط به گزارش‌دهی و شفافیت	
در نظر داشتن نقطه تعادل مطلوب میان تأمین مالی عمومی و خصوصی		
امکان فراهم آوردن محرمانگی برای کمک‌های خرد		

مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم	انتشار اطلاعات به صورت منظم، قابل دسترس و خوانا توسط ماشین	توجه به اجراپذیری در عین اثرگذاری	ملاحظات محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های کمک‌ها	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
انتشار اطلاعات به صورت منظم، قابل دسترس و خوانا توسط ماشین				
لزوم داشتن یک تعریف دقیق و مشخص از کمک‌های مالی	ایجاد تعادل بین کمک‌های کوچک، بزرگ و متوسط	تعریف دقیق سوءاستفاده از منابع عمومی	ملاحظات محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مخارج	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
ایجاد تعادل بین کمک‌های کوچک، بزرگ و متوسط				
تعیین سقف مخارج اجراپذیر در عین اثرگذاری	لزوم داشتن یک تعریف دقیق و مشخص از مخارج	ابتنای دیگر ابزارها بر شفافیت و گزارش‌دهی	هماهنگی ابزارها با یکدیگر و نگاه بسته‌ای	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
تعیین سقف مخارج اجراپذیر در عین اثرگذاری				
مشروط کردن تأمین مالی عمومی به رعایت دیگر قوانین	قوانین مربوط به طرف‌های ثالث	انسجام قوانین مربوط به داوطلبین و احزاب	وضعیت فعلی تأمین مالی سیاسی و انتخابات و تنظیم‌گری آن	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
مشروط کردن تأمین مالی عمومی به رعایت دیگر قوانین				
توجه به بازه زمانی انتخابات و فعالیت‌های مالی قبل از آن	ترجیح یکپارچگی نظارت و اجرای کلیه فرایندها	وجود نیروی انسانی، تخصص و دسترسی لازم	ویژگی‌های دستگاه ناظر و مجری	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
توجه به بازه زمانی انتخابات و فعالیت‌های مالی قبل از آن				
وضع مجازات‌های بازدارنده و اجراپذیر	استقلال سیاسی	وجود قدرت و اختیارات قانونی دقیق و کافی	وضعیت فعلی تأمین مالی سیاسی و انتخابات و تنظیم‌گری آن	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
وضع مجازات‌های بازدارنده و اجراپذیر				
قوانین فعلی در زمینه تأمین مالی و کیفیت اجرای آن‌ها	منابع فعلی تأمین مالی داوطلبین و احزاب	وضعیت سایر قوانین مرتبط با موضوع تأمین مالی	شرایط زمینه‌ای سیاسی	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
قوانین فعلی در زمینه تأمین مالی و کیفیت اجرای آن‌ها				
ساختار سیاسی و نظام انتخابات	جایگاه احزاب سیاسی و نسبت آن‌ها با نامزدها، مردم و دولت	قدرت اجرایی و حکمرانی قانون	شرایط زمینه‌ای فرهنگی-اجتماعی	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
ساختار سیاسی و نظام انتخابات				
روابط فرهنگی و اجتماعی دخیل در انتخابات	میزان توانمندی و نقش‌آفرینی رسانه‌ها و مردم در نظارت	اندازه بخش عمومی اقتصاد و مرز آن با بخش خصوصی	شرایط زمینه‌ای اقتصادی	مزیت قابل توجه انتشار عمومی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مردم
روابط فرهنگی و اجتماعی دخیل در انتخابات				
میزان قابلیت‌ها و یکپارچگی زیرساخت‌های الکترونیکی مالی				

دو مضمون فراگیر بعدی تا حدی به یکدیگر مرتبط بوده و به ترتیب به دسته‌بندی و انواع چهار ابزار اصلی تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات که مختصراً در بخش مرور ادبیات نیز به آن پرداختیم و سپس ملاحظات به کار بستن آن‌ها می‌پردازد. تأمین مالی عمومی به معنی تأمین بخشی از هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و احزاب از منابع عمومی، از جمله ابزارهایی است که در دهه‌های اخیر به صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته به شکلی که امروزه حدوداً دو سوم کشورهای مردم‌سالار دنیا و تقریباً همه کشورهای اروپایی از آن استفاده می‌کنند (IDEA, 2022b). تأمین مالی عمومی هزینه‌های انتخاباتی با اهداف متفاوتی انجام می‌شود. یکی از دلایل اصلی استفاده از این ابزار افزایش هزینه‌های فعالیت سیاسی در کنار کاهش مشارکت فعالانه شهروندان در سیاست، نظیر کاهش چشم‌گیر تعداد افراد عضو احزاب بوده است. اما در کنار این هدف، دو هدف مهم دیگر نیز برای تأمین مالی عمومی متصور است: عادلانه‌تر کردن زمین بازی انتخابات با حمایت از بازیگران مختلف و همچنین کاهش وابستگی و اثرات سوء ناشی از تأمین مالی خصوصی در عملکرد احزاب و نمایندگان (Van Biezen, 2004, pp. 706-707). رایج‌ترین دسته‌بندی تأمین مالی عمومی مستقیم، به معنی در اختیار گذاشتن مستقیم پول و غیرمستقیم، نظیر در اختیار گذاشتن رسانه‌ها و سایر امکانات دولتی و همچنین معافیت‌های مالیاتی برای داوطلبان و احزاب یا تأمین‌کنندگان مالی آن‌هاست. معمولاً تأمین مالی عمومی غیرمستقیم

به جهت سهولت تخصیص و نظارت بر تخصیص و استفاده از آن برای کشورهایی که توان نظارتی کمتری دارند مناسب‌تر است (Ohman et al., 2015, p. 24).



شکل ۲. نقشه کشورهای دنیا بر اساس تأمین مالی مستقیم احزاب.

سبز تیره: تأمین مالی مستمر، سبز روشن: تأمین مالی حین انتخابات، سبز کدر: هم تأمین مالی مستمر و هم حین انتخابات، قرمز: بدون تأمین مالی خاکستری: در دسترس نبودن اطلاعات، سفید: کشورهای غیردموکراتیک
منبع: (IDEA, 2022b).

دسته‌بندی دیگر حول زمان تأمین مالی است که بیشتر در تأمین مالی مستقیم مد نظر است و به در اختیار گذاشتن حمایت مالی پیش از انتخابات و بر اساس نتایج انتخابات‌های قبلی یا بعد از انتخابات و بر اساس نتایج انتخابات فعلی صورت می‌پذیرد (OECD, 2016, p. 41). کشورها اغلب از ترکیبی از تأمین مالی پیشینی و پسینی جهت ایجاد توازن استفاده می‌کنند (Casas-Zamora & Zovatto, 2015, pp. 9–10). اما شاید مهم‌ترین بعد تأمین مالی عمومی که جزئیات آن باعث اثرات کاملاً متفاوتی می‌شود، مشخص کردن بازیگران بهره‌مند از آن و میزان بهره‌مندی هر بازیگر از آن است (Scarrow, 2007, p. 204). مشخص کردن یک ملاک تخصیص دقیق از این جهت اهمیت دارد که منابع عمومی تنها به بازیگرانی تعلق گیرد که قصد و توانایی رقابت در انتخابات را دارند (Ohman et al., 2015, p. 52). پس از مشخص کردن یک ملاک معقول نظیر کسب حداقل درصدی از آراء در انتخابات قبلی، شیوه توزیع منابع میان بازیگران اهمیت پیدا می‌کند. در یک سر طیف تأمین مالی برابر قرار دارد که در آن تأمین مالی همه بازیگران برابر است و در سر دیگر طیف تأمین مالی تناسبی است که به هر بازیگر متناسب با معیاری از اثرگذاری و موفقیت قبلی حمایت تخصیص می‌دهد. معمولاً کشورها نقطه‌ای میان این دو سر طیف را متناسب با اهداف خود انتخاب می‌کنند (Van Biezen, 2003, p. 43). در این بخش مضمون پایه تأمین مالی اختصاصی^۱ در مرحله پالایش حذف شد. ملاحظه دیگری که درباره تأمین مالی عمومی قابل توجه است، اختصاص پیدا کردن آن به احزاب یا داوطلبان است. به صورت کلی تخصیص تأمین مالی به بازیگران منفرد و داوطلبان انتخابات بسیار نادر است. هر چند در برخی کشورها نظیر فرانسه این موضوع به صورت ترکیبی اتفاق افتاده و تأمین مالی عمومی هم به احزاب (پیش از برگزاری انتخابات و به صورت مستمر) و هم به داوطلبان (پس از برگزاری انتخابات و بر اساس نتایج) اتفاق می‌افتد (Doublet, 2016, pp. 148–149) اما تخصیص تأمین مالی عمومی تنها به داوطلبان تقریباً نایاب است

1. Specific

(Casas-Zamora & Zovatto, 2015, p. 9). آخرین ملاحظه مرتبط با تأمین مالی عمومی که بسیار مهم است، توازن میان تأمین مالی عمومی و خصوصی است؛ به این معنی که چه میزانی از اتکا به منابع عمومی و در نقطه مقابل آن چه میزانی از اتکا به منابع خصوصی برای بازیگران سیاسی در انتخابات مطلوب است (ODIHR, 2011, p. 72; Van Biezen, 2003, pp. 47-50). در جدول ۹ می‌بینیم که کشورهای مختلف در نقاط مختلفی از طیف وابستگی به منابع مالی خصوصی و عمومی قرار دارند. در این بخش، مضمون پایه امکان دامن زدن به انحصار احزاب موجود در پالایش مضامین حذف شد.

جدول ۹. میزان وابستگی به تأمین مالی عمومی در برخی کشورهای عضو OECD (OECD, 2016)

کشور	درصد تأمین مالی عمومی احزاب از کل درآمد	درصد تأمین مالی خصوصی احزاب از کل درآمد
ترکیه	۹۰	۱۰
اسپانیا	۸۷/۵	۱۲/۵
بلژیک	۸۵	۱۵
ایتالیا	۸۲	۱۸
دانمارک	۷۵	۲۵
سوئد	۷۵	۲۵
مجارستان	۶۰	۴۰
هلند	۳۵	۶۵
بریتانیا	۳۵	۶۵

ابزار دومی که مورد بررسی قرار گرفته و از اهمیت زیادی نیز برخوردار می‌باشد، شفافیت و گزارش‌دهی است. منظور از شفافیت و گزارش‌دهی، ارائه گزارشی از منابع و بعضاً مخارج تأمین مالی و حسابرسی آن است. بایستی دقت داشت که شفافیت گزارش‌های مالی بازیگران سیاسی برای عموم مردم، لزوماً بخشی از این ابزار نیست هرچند امروزه به عنوان یکی از لوازم پیاده‌سازی مؤثر آن محسوب می‌شود. اهمیت این ابزار در پیاده‌سازی گسترده آن نیز دیده می‌شود به شکلی که امروزه نزدیک به ۸۰ درصد از ۱۸۰ کشور مورد بررسی پایگاه داده IDEA احزاب سیاسی را موظف به گزارش‌دهی منظم در زمینه تأمین کرده‌اند (IDEA, 2022c). اهدافی که برای استفاده از این ابزار ذکر می‌شود، عمدتاً دو هدف افزایش اعتماد عمومی و افزایش آگاهی و نقش‌آفرینی مردم و استفاده از ظرفیت نظارت آن‌ها و رسانه‌ها به منظور نظارت بر فرایند تأمین مالی است (Norris & Van Es, 2016, pp. 8-9). هر چند به جهت ارتباط این ابزار با سایر ابزارها، به نوعی این ابزار به صورت غیرمستقیم در خدمت اهداف دیگر ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی نیز قرار داد. ابزار شفافیت از منظر دسته‌بندی پیچیدگی خاصی ندارد و می‌توان آن را از منظر موارد ملزم به گزارش‌دهی دسته‌بندی کرد که اصلی‌ترین آن‌ها مقادیر کمک‌های مالی و منابع مالی جمع‌آوری شده توسط حزب یا داوطلب انتخابات، در کنار مخارج آن‌ها است. مورد بعدی گزارش هویت کمک‌کنندگان مالی است که این مورد از دیرباز با چالش حفظ حریم شخصی شهروندان مواجه بوده است (OECD, 2016, pp. 68-70). اما شاید مهم‌ترین ملاحظه درباره شفافیت، مسئله افشای گزارش‌های مالی برای عموم مردم است. استدلال‌های زیادی برای شفافیت عمومی گزارش‌های مالی بازیگران سیاسی وجود دارد که اصلی‌ترین موارد آن‌ها استفاده از ظرفیت نظارتی مردم و رسانه‌ها و همچنین افزایش آگاهی عمومی است (OECD, 2016, p. 70). در نهایت، در صورت انتشار عمومی گزارش‌های مالی این نکته حائز اهمیت است که این گزارش‌ها بایستی به سادگی قابل دسترسی و خوانا توسط ماشین^۱ باشند، زیرا ممکن است گزارش‌ها به نحوی منتشر شوند که دسترسی به آن‌ها برای عموم مردم بسیار سخت بوده (Doublet, 2010, pp. 30-31) یا در قالبی منتشر شوند که خوانا نباشد، به عنوان مثال به جای یک فایل Excel در قالب PDF باشد (OECD, 2016, p. 72). دو ابزار بعدی مورد بررسی به نوعی به یکدیگر شبیه بوده و

یکی از آن‌ها شامل محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اعمال‌شده بر کمک‌ها و منابع مالی است و دیگری بر هزینه‌ها و مخارج. اما برخلاف این شباهت این دو ابزار دو هدف مختلف را پیگیری می‌کنند. محدودیت‌های منابع عمدتاً به دنبال اثرگذاری بر رفتار تأمین‌کنندگان و جلوگیری از ایجاد وابستگی‌های مالی و در نتیجه تسخیر فرایند سیاستگذاری هستند (Norris & Van Es, 2016, p. 9; Ohman et al., 2015, p. 21). بر رفتار بازیگران سیاسی و جلوگیری از اهمیت پیدا کردن بیش از حد پول و در نتیجه از بین رفتن عدالت انتخاباتی هستند (Norris & Van Es, 2016, p. 10; Ohman et al., 2015, p. 26). محدودیت‌های منابع از تنوع زیادی برخوردار است و همان‌طور که ذکر شد بخش عمده‌ای از آن‌ها که بر کمک‌های اشخاص حقیقی و بخش خصوصی و اتحادیه‌ها متمرکز هستند با هدف جلوگیری از تسخیر فرایند سیاستگذاری اعمال می‌شوند، اما محدودیت‌هایی متمرکز بر بخش عمومی به جهت جلوگیری از هدررفت منابع عمومی و استفاده از آن‌ها برای مقاصد سیاسی است. محدودیت کمک‌های ناشناس و غیرمستقیم نیز با هدف اثرپذیری دیگر محدودیت‌ها اعمال می‌شود. در سمت مقابل، محدودیت‌های مرتبط با مخارج چندان متنوع نیست و عمدتاً شامل محدودیت مجموع مخارج و یا ممنوعیت‌های مشخصی نظیر ممنوعیت خرید رأی یا خرید رسانه‌های عمومی می‌شود. ملاحظه جدی که درباره این دو ابزار وجود دارد، داشتن یک تعریف دقیق از منابع/مخارج و تعیین کردن سقف‌ها و ممنوعیت‌هایی است که در عین اثرگذاری و نائل شدن به هدف‌های این ابزارها، در عمل نیز اجراپذیر باشند. در صورتی که ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های وضع‌شده واقع‌بینانه نباشند در عمل باعث تمایل بازیگران سیاسی به دور زدن قوانین و گزارش نشدن فعالیت‌های مالی آن‌ها شده و اثر عکس خواهد گذاشت (Ohman et al., 2015, p. 22; Van Biezen, 2003, p. 31). در مجموع این دو ابزار به دلیل پیچیدگی‌های مربوط به پیاده‌سازی و نظارت، رواج کمتری به دو ابزار ابتدایی دارند. به عنوان مثال در حدود نیمی از کشورهای دنیا محدودیتی برای مقداری که یک نفر می‌تواند به یک حزب کمک مالی کند وجود ندارد (IDEA, 2022d) و در بیش از نیمی از کشورهای دنیا احزاب سقفی برای مخارج خود ندارند (IDEA, 2022a). اما به غیر از ملاحظات مربوط به هر یک از چهار ابزار ذکرشده، دو ملاحظه مهم دیگر که فراتر از هر کدام از ابزارها هستند نیز وجود دارد. نخستین ملاحظه؛ لزوم داشتن نگاه بسته‌ای، به معنی دیدن هر یک از ابزارها در ارتباط با دیگر ابزارها و نه به عنوان یک سیاست جداگانه است. به عنوان مثال، دو ابزار مربوط به محدودیت و ممنوعیت، بدون وجود شفافیت و گزارش‌دهی قابل اتکا عملاً قابل پیاده‌سازی نیستند (Doublet, 2010, p. 55) و از سوی دیگر، در صورتی که شفافیت به معنی افشای عمومی گزارش‌های مالی با اعمال مؤثر ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها همراه نشود می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی عمومی شود (Norris & Van Es, 2016, p. 9). هم‌چنین تأمین مالی عمومی می‌تواند ابزاری اثرگذار برای پیروی از دیگر قوانین باشد، که از برجسته‌ترین نموده‌های آن می‌توان به منوط کردن تأمین مالی به شفافیت و ارائه گزارش‌های مالی در موعد مقرر اشاره کرد (Ohman et al., 2015, p. 60). موضوع مهم دیگری که در پیاده‌سازی همه ابزارها بایستی به آن دقت کرد، طرف‌های ثالثی است که به نمایندگی و طرفداری از بازیگران سیاسی فعالیت‌های تبلیغاتی انجام می‌دهند. در صورتی که این موضوع مورد توجه قرار نگیرد می‌تواند تبدیل به راه‌دررویی برای دورزدن قوانین تبدیل شود (Doublet, 2010, p. 54; OECD, 2016, p. 8). همین موضوع درباره هماهنگی قوانین مربوط به داوطلبان و احزاب نیز برقرار است (Van Biezen, 2003, p. 31). از همین منظر بازه زمانی قوانین، مشخصاً بازه‌ای که به عنوان زمان تبلیغات انتخاباتی در نظر گرفته می‌شود، حائز اهمیت است (Doublet, 2010, pp. 19–20). در نهایت ملاحظه‌ای که اهمیتی به اندازه چهار ابزار مورد بحث دارد، ویژگی‌های دستگاه ناظر و مجری قوانین تأمین مالی سیاسی است. هر چند اغلب توصیه به انجام نظارت و اجرای کلیه فرایندهای تنظیم‌گری تأمین مالی توسط یک نهاد منسجم می‌شود، اما در عمل شاهد این هستیم که در این زمینه تنوع زیادی وجود داشته و در کشورهای مختلف اجرای قوانین نظارت بر تأمین مالی سیاسی توسط قوه مجریه، قضائیه و مقننه و بعضاً با تقسیم کار بین آن‌ها انجام می‌شود (OECD, 2016, p. 96). اما فارغ از قوه‌ای که نهاد ناظر و مجری ذیل آن قرار دارد، داشتن استقلال سیاسی از احزاب و بازیگران سیاسی، داشتن نیروی انسانی متخصص و به تعداد کافی و داشتن قدرت و اختیارات قانونی لازم شامل

توانایی اعمال مجازات‌های بازدارنده و در عین حال اجراپذیر جزو ملزومات پیاده‌سازی مؤثر قوانین تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی است (Van Biezen, 2003, pp. 64-69). در این بخش، مضمون پایه اطلاع‌رسانی و آموزش فعالین سیاسی در مرحله پالایش حذف شد. آخرین مضمون فراگیر مورد بررسی، شرایط زمینه‌ای مهم مربوط به تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات است، به معنی شرایط و ویژگی‌های منحصر به فردی که بایستی در هر کشور برای ایجاد یک چارچوب مؤثر تنظیم‌گری تأمین مالی مورد توجه قرار بگیرند. نخستین مضمون سازمان‌دهنده ذیل این مضمون، وضعیت فعلی تأمین مالی سیاسی و تنظیم‌گری آن است. یک آموخته مهم در این باره این است که حرکت یک‌باره از وضعیت بی‌قانونی یا قوانین اندک و سهل‌انگارانه به قوانین زیاد و پیچیده اغلب دچار شکست می‌شود و معمولاً گام‌های تدریجی با تأکید بر یک یا دو ابزار موفقیت‌آمیزتر هستند (Ohman et al., 2015, p. 65). هم‌چنین منابع مالی بازیگران سیاسی نیز بایستی مورد توجه قرار گرفته و از اعمال کردن محدودیت‌های غیرواقعی بینانه خودداری شود (Ohman et al., 2015, p. 44). اگر به سراغ شرایط زمینه‌ای سیاسی برویم، وضعیت دیگر قوانین مرتبط با موضوع تأمین مالی نیز اهمیت پیدا می‌کند. در صورتی که قوانین مشخصی در زمینه شفافیت دارایی‌ها، لابی‌گری و تعارض منافع وجود نداشته باشد، بسیاری از تبعات نامطلوبی که تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی به دنبال مبارزه با آن‌هاست از طرق دیگری نظیر روابط مالی بعد از انتخابات و حین دوره مسئولیت حادث خواهند شد (OECD, 2016, pp. 80-84). موضوع دیگری که اهمیت بسیار زیادی دارد، ساختار سیاسی و جایگاه احزاب در آن است. به عنوان مثال در کشورهایی که نظام ریاستی و یا انتخابات اکثریتی در حوزه‌های تک‌کرسی حکم‌فرماست، منطقی است که داوطلبان نقش پررنگ‌تری نسبت به احزاب در انتخابات و تأمین مالی آن داشته و این موضوع باید مورد توجه قرار بگیرد (Smilov, 2008). درباره اهمیت نگاه به احزاب نیز پیش‌تر ذکر کردیم که پایه برخی از ابزارها نظیر تأمین مالی عمومی احزاب، پذیرفته شدن احزاب به عنوان نهادهایی عمومی و فعالیت داوطلبان انتخاباتی در هماهنگی با آن‌هاست (Van Biezen, 2004). عامل مهم دیگری که شاید بتوان آن را علاوه بر عاملی سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی نیز نامید، انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات است. در صورتی که مردم نه برای انتخاب نامزدی نزدیک به نگاه‌های سیاسی خود که برای عرضه رأی خود را در ازای خدمتی مشخص در انتخابات شرکت کنند، آن‌گاه مبارزه کردن با خرید حمایت و رأی مردم در قالب هدیه‌های نقدی و غیرنقدی قبل از انتخابات دشوار خواهد بود (Fisher & Eisenstadt, 2004, p. 4). در این بخش، مضمون پایه اراده سیاسی در پالایش مضامین حذف شد. در نهایت، آخرین مضمون سازمان‌دهنده‌ای که به آن می‌پردازیم شرایط زمینه‌ای اقتصادی است. در صورتی که اندازه بخش عمومی اقتصاد بسیار بزرگ بوده و مرز آن با بخش خصوصی کمرنگ باشد، آنگاه نظارت بر سوءاستفاده از منابع عمومی توسط بازیگران سیاسی حاکم بر دولت سخت‌تر خواهد شد، تا جایی که به عنوان مثال در هند برخی از تحلیلگران، اصلاح وضعیت تأمین مالی سیاسی را منوط به اصلاح آن می‌دانند (Sridharan & Vaishnav, 2016). عامل دیگری که در این زمینه اهمیت زیادی دارد، میزان قابلیت‌های زیرساخت‌های الکترونیک مالی است، زیرا بدون وجود چنین زیرساختی نظارت بر هزینه‌ها و احراز گزارش‌های مالی بازیگران سیاسی بسیار دشوار خواهد شد، و قانون‌گذاری بلندپروازانه و بدون توجه به این ظرفیت در عمل اجراپذیر نخواهد بود (Ohman et al., 2015, p. 19).

جمع‌بندی

با مروری بر یافته‌های پژوهش درمی‌یابیم که طراحی و پیاده‌سازی یک چارچوب مؤثر تنظیم‌گری تأمین مالی سیاسی و انتخابات امری بسیار پیچیده، چندبعدی و با ملاحظات فراوان است، این موضوع در فاصله نسبتاً زیاد قوانین و واقعیات حتی در دموکراسی‌های قدیمی و با سابقه نیز بازتاب دارد (Global Integrity, 2015). از میان اهداف تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات، با توجه به نگرانی‌های مرتبط با فساد اقتصادی خصوصاً در میان نمایندگان مجلس و ادراک جامعه از آن، جلوگیری از تسخیر فرایند سیاست‌گذاری و افزایش اعتماد عمومی اهمیت زیادی دارد و می‌توان از آن‌ها به عنوان اهداف اصلی چنین اقدامی در ایران یاد کرد.

هم‌چنین مضامین پایه ذیل مضمون سازمان‌دهنده اهداف امنیتی نیز قابل توجه هستند. در حال حاضر در زمینه تأمین مالی داوطلبان و نظارت بر آن، چه در انتخابات مجلس و چه ریاست جمهوری، قوانین بسیار ضعیفی وجود دارد و ناظر به این موضوع، طراحی چارچوبی که شامل محدودیت‌های فراوان و پیچیدگی بیش از حدی باشد واقع‌بینانه نخواهد بود، نظیر قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، مصوب اسفند ۹۸، که تاکنون اجرایی نشده است. با در نظر داشتن این زمینه و اهداف اصلی ذکرشده، زمانی که به سراغ ابزارهای تنظیم‌گری تأمین مالی و مضامین سازمان‌دهنده آن برویم، درمی‌یابیم که پرداختن هم‌زمان به هر چهار ابزار واقع‌بینانه نیست. به نظر دو ابزاری که باید مورد توجه قرار بگیرند؛ نخست گزارش‌دهی و شفافیت که از یک‌سو مبتنی بر مضمون پایه ابتدایی دیگر ابزارها بر شفافیت و گزارش‌دهی سنگ بنای هر چارچوب تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات است و از سوی دیگر اصلی‌ترین ابزار مورد استفاده برای افزایش ادراک از کیفیت انتخابات و اعتماد به فرایند سیاستگذاری است. پس از شفافیت و گزارش‌دهی، دومین ابزاری که بایستی مورد تمرکز قرار گیرد، تأمین مالی عمومی است. با توجه به عدم تعادل میان منابع عمومی و خصوصی داوطلبان و سوءاستفاده گسترده از منابع عمومی، تأمین مالی عمومی می‌تواند بخشی از مشکلات مرتبط با منابع و نیازهای داوطلبان و بازیگران سیاسی و وابستگی آنان به تعداد محدودی از تأمین‌کنندگان مالی خصوصی را کاهش داده و انگیزه داوطلبان برای سوءاستفاده از منابع عمومی غیرمجاز را کاهش دهد. هم‌چنین ناظر به مضمون سازمان‌دهنده هماهنگی ابزارها با یکدیگر و نگاه بسته‌ای، تأمین مالی عمومی می‌تواند به عنوان ضمانت اجرایی و انگیزه‌ای برای شفافیت و گزارش‌دهی داوطلبان عمل کند. با وجود استفاده گسترده از ابزار تأمین مالی عمومی در دنیا و تطابق آن با اهداف تنظیم‌گری تأمین مالی انتخابات در ایران، چالشی که ذیل مضمون سازمان‌دهنده ملاحظات تأمین مالی عمومی نیز به آن اشاره شد، دشواری تأمین مالی عمومی داوطلبان منفرد است. هم‌اکنون در انتخابات ریاست جمهوری؛ مناظره‌های تلویزیونی نوعی تأمین مالی غیرمستقیم داوطلبان منفرد است، اما پیاده‌سازی چنین الگویی در انتخابات مجلس با در نظر گرفتن تعدد حوزه‌های انتخابیه و داوطلبان دشوارتر است. تأمین مالی مستقیم داوطلبان نیز با توجه نقش ضعیف احزاب در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه با چالش‌های متعددی مواجه است، هر چند تجربیات مشابهی برای تأمین مالی داوطلبان منفرد، نظیر انتخابات مجلس در فرانسه وجود دارد (Doublet, 2016, pp. 148–150).

References

1. Abedi Jafari, H., Taslimi, M., Faghihi, A., & Sheikhzadeh, M. (2011). Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities. *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. <https://doi.org/10.1177/1354068804046910> {In Persian}
2. Ahmadvand, S., & Saber Mahani, F. (2016). Comparative Approach of Monetary Resources and Financing of Elections (Study on Election System of Iran, France, Russia and USA). *The Quarterly Journal of Public Law Research*, 17(49), 9-35. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2016.2368> {In Persian}
3. Alexander, H. E. (1970). *Comparative political finance: The financing of party organizations and election campaigns*. Lexington, MA: Heath.
4. Alexander, H. E. (1989). Money and politics: Rethinking a conceptual framework. In H. E. Alexander & J. Federman, *Comparative political finance in the 1980s* (pp. 9–23). New York: Cambridge University Press.
5. Alexander, H. E., & Shiratori, R. (1994). *Comparative Political Finance among the Democracies* (Boulder. New York: Routledge).
6. Braun, V., & Clarke, V. (2012). Thematic analysis. In H. Cooper, P. M. Camic, D. L. Long, A. T. Panter, D. Rindskopf, & K. J. Sher (Eds.), *APA handbook of research methods in psychology, Vol 2: Research designs: Quantitative, qualitative, neuropsychological, and biological*. (pp. 57–71). Washington: American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/13620-004>
7. Burnell, P. J., & Ware, A. (1998). *Funding Democratization*. Manchester: Manchester University Press.
8. Casas-Zamora, K. (2005). *Paying for democracy: Political finance and state funding for parties*. Essex: ECPR Press.
9. Casas-Zamora, K., & Zovatto, D. (2015). *The cost of democracy: Campaign finance regulation in Latin America*. Latin American Initiative, Foreign Policy at Brookings.
10. Commission on Election Finances. (1988). *A Comparative Survey of Election Finance Legislation*. Toronto: Commission on Election Finances.
11. Creswell, J. W. (2003). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (Second Edition). Thousand Oaks, CA: Sage publications.
12. Danaei Fard, H., & Mozafari, Z. (2008). Improving Validity and Reliability in Qualitative Management Research. *Public Management Reserches*, 1(1), 131-162. {In Persian}
13. Doublet, Y.-M. (2010). *Fighting Corruption: Political Funding*. Thematic review of GRECO's Third Evaluation Round. GRECO (Group d'Etats contre la corruption).

14. Doublet, Y.-M. (2016). France. In OECD, Financing democracy-funding of political parties and election campaigns and the risk of policy capture (pp. 148-154). Paris: OECD Publishing. Retrieved from <https://doi.org/10.1787/9789264249455-en>
15. Fisher, J., & Eisenstadt, T. A. (2004). Introduction: Comparative Party Finance: What is to be Done? *Party Politics*, 10(6), 619-626. <https://doi.org/10.1177/1354068804046910>
16. Global Integrity. (2015). The Money, Politics, and Transparency. Campaign Finance Indicators: Assessing Regulation and Practice in 54 Countries across the World in 2014. Washington, DC: Global Integrity.
17. Golosov, G. V. (2016). Russia. In P. Norris & A. A. Van Es, Checkbook elections?: Political finance in comparative perspective (pp. 121-140). New York: Oxford University Press.
18. Heidenheimer, A. J. (1957). German party finance: The CDU. *American Political Science Review*, 51(2), 369-385. <https://doi.org/10.2307/1952197>
19. Heidenheimer, A. J. (1963). Comparative party finance: Notes on practices and toward a theory. *The Journal of Politics*, 25(4), 790-811. <https://doi.org/10.2307/2127432>
20. IDEA. (2022a). Are there limits on the amount a political party can spend? Retrieved April 6, 2022, from IDEA Political Finance Database website: <https://www.idea.int/data-tools/question-view/560>
21. IDEA. (2022b). Are there provisions for direct public funding to political parties? Retrieved April 6, 2022, from IDEA Political Finance Database website: <https://www.idea.int/data-tools/question-view/548>
22. IDEA. (2022c). Do candidates have to report on their election campaign finances? Retrieved April 6, 2022, from IDEA Political Finance Database website: <https://www.idea.int/data-tools/question-view/566>
23. IDEA. (2022d). Do political parties have to report regularly on their finances? Retrieved April 6, 2022, from IDEA Political Finance Database website: <https://www.idea.int/data-tools/question-view/564>
24. IDEA. (2022e). Is there a limit on the amount a donor can contribute to a political party during a non-election specific period? Retrieved April 6, 2022, from IDEA Political Finance Database website: <https://www.idea.int/data-tools/question-view/542>
25. Levush, R. (1991). Campaign Financing of National Elections in Foreign Countries. Washington, DC: Law Library of Congress.
26. Malamud, C., & Carbó, E. P. (2005). The financing of politics: Latin American and European perspectives. Institute of Latin American Studies.
27. McKenzie, R. T. (1955). *British Political Parties*. Melbourne: William Heinemann.
28. Nejad Khalili, M. (2013). Examining Supervision of Electoral Campaign Spending in Islamic Republic of Iran and Proposing a Design. *Islamic Parliament Research Center Reports*, 37(21), 489-520. {In Persian}
29. Norris, P., & Van Es, A. A. (2016). Checkbook elections?: Political finance in comparative perspective. New York: Oxford University Press.
30. ODIHR. (2011). Guidelines on Political Party Regulation. Warsaw/Strasbourg: OSCE/ODIHR.
31. OECD. (2016). Financing democracy-funding of political parties and election campaigns and the risk of policy capture. Paris: OECD Publishing. Retrieved from <https://doi.org/10.1787/9789264249455-en>
32. Ohman, M. (2013). *Political Finance Oversight Handbook*. Washington, DC: IFES.
33. Ohman, M., Jones, S., & Falguera, E. (2015). Funding of political parties and election campaigns: A handbook on political finance. Strömsborg: IDEA.
34. OpenSecrets. (2020). Did Money Win? Retrieved January 7, 2022, from OpenSecrets website: <https://www.opensecrets.org/elections-overview/winning-vs-spending?cycle=2020>
35. Overacker, L. (1932). *Money in Elections*. New York: Macmillan.
36. Paltiel, K. Z. (1981). Campaign finance: Contrasting practices and reforms. In D. Butler, H. Penniman, & A. Ranney, *Democracy at the Polls* (pp. 138-172). Washington, DC: American Enterprise Institute.
37. Pinto-Duschinsky, M. (2002). Financing politics: A global view. *Journal of Democracy*, 13(4), 69-86. <https://doi.org/10.1353/jod.2002.0074>
38. Pinto-Duschinsky, M. (2008). Public policy and the study of political finance: A review of past developments, current problems and opportunities for the future. Presented at the IPSA Mid-term Conference, Montreal.
39. Pollock, J. K. (1932). *Money and politics abroad*. New York: Alfred Knopf.
40. Rahimi Moghaddam, A. (2011). Requirements of Lawmaking for Funding of Political Parties. *Islamic Parliament Research Center Reports*, 19(19), 5995-6016. {In Persian}
41. Scarrow, S. E. (2007). Political finance in comparative perspective. *Annu. Rev. Polit. Sci.*, 10, 193-210. <https://doi.org/10.1146/annurev.polisci.10.080505.100115>
42. Smilov, D. (2008). Dilemmas for a Democratic Society: Comparative Regulation of Money and Politics. DISC Working Paper 4/2008. Budapest: Central European University, Center for the Study of Imperfections in Democracy.
43. Sridharan, E., & Vaishnav, M. (2016). India. In P. Norris & A. A. Van Es, Checkbook elections?: Political finance in comparative perspective (pp. 64-83). New York: Oxford University Press.
44. Van Biezen, I. (2003). Financing political parties and election campaigns: Guidelines. Strasbourg: Council of Europe.
45. Van Biezen, I. (2004). Political parties as public utilities. *Party Politics*, 10(6), 701-722. <https://doi.org/10.1177/1354068804046914>
46. Yavari, A., & Zamanizadeh, M. (2019). Good Funding System for Election Campaign in Iran in Light of International Criteria. *Comperative Law Review*, 10(2), 467-483. <https://doi.org/10.22059/jcl.2019.291080.633910> {In Persian}